

Touring Libya, London, 1969; Wright, J., *Libya: A Modern History*, London, 1981.

بروز امین

بَرْقِی، خاندانی امامی ساکن قم در سده‌های ۲ و ۳/۸ و ۹م. جد اعلای این خاندان محمد بن علی یکی از طرفداران زید بن علی (ع) بود که پس از قتل زید، به وسیله یوسف بن عمر ثقفی زندانی، و سپس کشته شد. در این زمان خانواده او از جمله فرزندان و نواده‌اش، عبدالرحمان و خالد به جانب شرق، روه سوی رستاق برق رود گریخته، در آنجا سکنت گزیدند (نجاشی، ۲۰۴/۱-۲۰۵؛ شیخ طوسی، الفهرست، ۳۷؛ یاقوت، ادبا، ۱۳۲/۳). در تعیین محل برق رود، سخن بسیار است، اما بر اساس مجموع آنچه در منابع آمده، در منطقه‌ای میان قم و اصفهان واقع بوده است (نک: یعقوبی، ۴۰؛ یاقوت، بلدان، ۵۷۵/۱).

آمدن ایشان به این منطقه، پایه ریز حضور طولانی افراد خاندانی از اهل فضل و علم در میان قمیان شد. به عنوان اولین کس از این خانواده که شهرتی یافته است، باید از ابو عبدالله محمد بن خالد بن عبدالرحمان نام برد که محضر امام کاظم، امام رضا، و امام جواد (ع) را درک کرده بود (الرجال، ۵۰، ۵۴؛ شیخ طوسی، رجال، ۴۰۴)؛ اما در منابع تنها روایات او از امام جواد (ع) دیده می‌شود (تستری، ۲۵۲/۹). به هر حال بر این پایه، او در نیمه دوم سده ۲ و اوایل سده ۳ زندگی می‌کرده است. محمد از شخصیت‌هایی مانند ابن ابی عمیر، فضالة بن ایوب، حماد بن عیسی، علی بن مهزیار، ابان بن عثمان، زکریا بن عمران، خلف بن حماد و نضر بن سدید دانش آموخت و از آنان روایت کرد (نک: برقی، ۳۹، ۶۷، ۷۲، جم: اردبیلی، ۱۰۸/۲-۱۰۹). و جز فرزندش احمد، کسانی چون ابراهیم بن هاشم قمی، حسن بن علی بن نعمان و احمد بن محمد بن عیسی در شمار شاگردان و راویان او بودند (نک: همانجا).

برخی از رجال شناسان مانند نجاشی معتقدند که وی در حدیث ضعیف بود و روایتش از ضعف، باعث می‌شد تا حدیث او از درجه اعتبار ساقط شود (نک: ۲۲۱/۱)؛ در حالی که شیخ طوسی در رجال خود او را ثقة دانسته است (ص ۳۸۶) و جر عاملی در هواداری از برقی گفته است که این سخن نجاشی، به روایت او از ضعف مربوط است و نشانه تضعیف شخص خود او نیست (۳۲۷/۳) و همین امر سبب شده است تا امامیه احادیث او را صحیح بدانند (برای برآوردی از جرح و تعدیل او، نک: کاظمی، ۳۸۹/۲-۳۹۲).

بجز علم رجال، محمد در ادب و علوم عربی نیز تبحر داشت و مخصوصاً اخبار عرب را نیک می‌دانست و کتابهای حروب الاوس و الخزرج او نشان دهنده همین توانایی اوست (نک: نجاشی، ۲۲۱/۲). آثاری دیگری رانیز از محمد برقی دانسته‌اند، از جمله: التنزیل و التعبير، کتاب یوم و لیل، التفسیر، کتاب مکه و المدینه، العلل، کتاب فی علم الباری و الخطب (همانجا). ابن طاووس هم از قصص الانبیاء منسوب

بود (حمیده، ۱۳۸؛ لیبی، ۳-۴). محمد ادریس نواده مهدی سنوسی که در ۱۹۱۶م حاکم برقه شد، شاید در اندیشه تحقق این هدف بود، ولی اندکی بعد توسط نیروهای ایتالیا اخراج گردید (کوک، ۶۱-۶۲). با اینهمه، سيطرة ایتالیا بر برقه بدون جنگهای سنگین با رهبران محلی چون عمر مختار میسر نگردید (رایت، ۳۳). برقه در دوره تسلط ایتالیا مشتمل بر دو کرسی بنغازی و درنه بود و بعداً به یک کرسی تبدیل شد (خدوری، ۴۵). در ۱۹۴۹م/۱۳۲۸ش محمد ادریس امیر مستقل برقه، و در ۱۹۵۲م/۱۳۳۱ش فرمانروای پادشاهی لیبی شامل برقه، طرابلس غرب و فزان شد (کوک، ۶۲). جمعیت شهر برقه (مرج) در برآورد سال ۱۹۷۲م/۱۳۵۱ش حدود ۱۵ هزار نفر بود (بریتانیکا، همانجا).

در برقه، به رغم معمول بودن کشاورزی، گرایش همگانی به گله‌داری است (اوانس پریچارد، ۳۴). در این منطقه انواع غلات، به ویژه جو به عمل می‌آید و انگور نیز تولید می‌شود (همو، ۳۸؛ لیبی، ۸). از صادرات برقه عسل، شمع، روغن، پوست دباغی شده، پشم و چهارپایان را می‌توان نام برد (نک: ابو عبید، ۲/۶۵۰؛ ابن حوقل، ۶۷؛ لیبی، همانجا؛ اوانس - پریچارد، ۳۷). در سده‌های گذشته زندگی مردم برقه بیشتر از طریق زائرنی که بدانجا می‌آمدند و کاروانهای تجارتی میان مغرب و مصر تأمین می‌شد (نک: لیبی، ۱۸). در دهه ۱۹۶۰م یک حوزه نفتی در این منطقه کشف گردید (افریقا، ۳۸).

در برقه خرابه‌های شهرهای باستانی یونانی و رومی وجود دارد (نک: ابوالفدا، ۱۲۷؛ ویلارد، ۹۸-۹۹؛ نیز نک: وارد، ۴۴، که به قصرهایی هم اشاره کرده است). مزار رومی، صحابی پیامبر (ص) (ابو عبید، همانجا) نیز در این شهر است. برقه یکی از مراکز مهم فرهنگی - هنری یونان بود و از جمله دانشمندان قدیم آنجا از کالیماخوس^۱ (فکاهی نویس و منتقد) و اراتستن^۲ (جغرافیایی دان) نام برده‌اند (لیبی، ۸). دانشمندان مسلمان بسیاری از برقه برخاسته، و یا منسوب به آنجا بوده‌اند (نک: ابن ماکولا، ۴۸۰/۸؛ سمعانی، ۱۷۱/۲-۱۷۲؛ یاقوت، ۵۷۴/۱).

مآخذ: ابن حوقل، محمد، صورة الارض، به کوشش کرامرس، لیدن، ۱۹۳۸م؛ ابن عبدالحکم، عبدالرحمان، فتوح مصر و اخبارها، بغداد، ۱۹۲۰م؛ ابن ماکولا، علی، الاکمال، حیدرآباد دکن، ۱۹۶۲م؛ ابو عبید بکری، عبدالله، المسالك و الممالك، به کوشش وان لون و ا. فره، تونس، ۱۹۹۲م؛ ابوالفدا، تقویم البلدان، به کوشش رنو و دوسلان، پاریس، ۱۸۴۰م؛ ادرسی، محمد، نزهة المشتاق، بیروت، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م؛ اصطخری، ابراهیم، مسالك المسالك، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۹۲۷م؛ انطاکی، یحیی، تاریخ، طرابلس، ۱۹۹۰م؛ بلاذری، احمد، فتوح البلدان، بیروت، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م؛ حمیده، علی عبداللطیف، المجتمع والدولة والاستعمار فی ليبيا، بیروت، ۱۹۹۵م؛ خلیفه بن خیاط، تاریخ، دمشق، ۱۹۶۸م؛ زیاده، نقولا، افریقیات، لندن، ۱۹۹۱م؛ سمعانی، عبدالکریم، الانساب، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۳ق/۱۹۶۳م؛ کوک، زلف م، مسلمانان افریقا، ترجمه اسدالله علوی، مشهد، ۱۳۷۳ش؛ مراکشی، عبدالواحد، المعجب، به کوشش محمد سعید عریان و محمد عربی علمی، قاهره، ۱۳۶۸ق/۱۹۴۹م؛ یاقوت، بلدان، یعقوبی، احمد، البلدان، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۸۹۱م؛ نیز:

Africa, ed. C. Legum, London, 1971; Britannica, 1986; Evans - Pritchard, E. E., *The Sanusi of Cyrenaica*, Oxford, 1949; Herodotus, *The History*, tr. A. D. Godley, London, 1957; Khadduri, M., *Modern Libya*, Baltimore, 1968; *Libya*, ed. H. D. Nelson, Washington, 1979; Villard, H. S., *Libya*, New York, Cornell University Press; Ward, Ph.,

1. Callimachus 2. Eratosthenes

به برقی نقل قولی آورده است (نک: آقابزرگ، ۱۰۴/۱۷؛ نیز نک: گلبرگ، 308).

مهم‌ترین و مشهورترین کس در میان افراد این خاندان، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی است. احمد را از اصحاب امام جواد و امام هادی (ع) بر شمرده‌اند (شیخ طوسی، همان، ۳۹۸، ۴۱۰). ولی روایتی به نقل از این بزرگان از او ثبت نشده است. شبیری بر اساس روایات و از برخی استادانش همچون ابن ابی عمیر، بزنطی، ابن فضال و ابن محبوب، ولادت ابوجعفر برقی را پس از ۲۰۰ ق دانسته است (نک: ص ۱۵۸).

ابوجعفر با سفرهایی در بخشهای مرکزی و شمالی ایران، و شهرهای عراق مانند کوفه، بصره و بغداد نزد بسیاری از استادان دانش آموخت و از بسیاری روایت نقل کرد که نام شماری از آنان در کتاب مشهورش، المحاسن، به ثبت رسیده است. از مشایخ و بجز پدرش از اینان می‌توان یاد کرد: حسین بن یزید نوفلی، علی بن حکم، ابراهیم بن هاشم قمی، علی ابن اسباط، حسن بن علی بطنانی، صالح بن سیندی، اسماعیل بن مهران، محمد بن یعقوب و محمد بن عیسی بن یقظین (نک: برقی، ۱۴، ۱۵، جم: شیخ طوسی، تهذیب...، ۴۴/۱۰؛ درباره سفر به سامرا، نک: کشی، ۵۵۷). در شمار شاگردان و راویان او نیز کسانی از بزرگان امامیه مانند محمد بن حسن صفار، علی بن حسین سعد آبادی، محمد بن جعفر ابن بطه، علی بن ابراهیم قمی، سعد بن عبدالله اشعری و برخی از نوادگانش جای گرفته‌اند (نک: اردبیلی، ۶۳/۱ - ۶۵). او در ۲۷۴ یا بنابر نقلی در ۲۸۰ ق از دنیا رفت (نک: نجاشی، ۲۰۷/۱). از میان شاگردان ابوجعفر برقی، سعد بن عبدالله و محمد بن جعفر ابن بطه را باید به عنوان اصلی‌ترین راویان آثار او نام برد (نک: شیخ طوسی، الفهرست، ۴۰).

درباره جایگاه رجالی احمد از زمان حیاتش سخن بسیار بوده است؛ چنانکه ابن غضائری از طعن قمیان نسبت به او سخن گفته، و علامه حلی هم در جواب گفته (ص ۱۴) که طعن ایشان به روایت او از ضعفا بوده است. البته از کنار این طعن چندان هم بی‌توجه نمی‌توان گذشت، چه احمد بن محمد بن عیسی، یکی معاصران برقی که در میان قمیان ارزش والایی داشته، به دلایلی سبب اخراج برقی از قم شده است. درست است که پس از مدتی، وی از رأی قبلی خود بازگشت و ضمن دعوت از برقی به قم، در تشییع جنازه او هم به هیچ وجه از احترام و ادب فروگذار نکرد، اما رفتار سابق او می‌تواند، نشان‌دهنده اثر پذیرفتن از جو حاکم بر قم بوده باشد (همانجا؛ ابن داوود، ۴۰، ۴۲۱). ابن داوود دیگر رجالی حله نیز اگر چه خود احمد را ثقة می‌داند، اما می‌گوید: چون ابن غضائری، برقی را ضعیف دانسته، نام او را در میان ضعفا آورده است (همانجا). اصلی‌ترین سبب تضعیف برقی در میان رجال شناسان آن است که او از ضعفا روایت و بر مراسیل اعتماد می‌کرده است و اینکه از چه کسی روایت می‌کند، چندان مورد اعتناش نبوده است (همانجا؛ صفدی، ۳۹۰/۷). سرانجام، این نکته شایان توجه است که افرادی مانند یاقوت (المشترک، ۵۳، بلدان، ۵۷۵/۱)، ذهبی (۶۷/۱) و ابن حجر

(۲۶۲/۱) از احمد برقی به عنوان فقیه و یکی از بزرگان و مشایخ شیعه یاد کرده‌اند.

بر پایه اطلاعاتی که منابع به دست می‌دهند، احمد آثار بسیاری تألیف کرده که از همه مهم‌تر مجموعه المحاسن است (نک: نجاشی، ۲۰۵/۱ - ۲۰۶؛ یاقوت، ادبا، ۱۳۳/۳ - ۱۳۴). در بررسی این اطلاعات، و نیز با نظر به نسخه چاپ شده المحاسن، چنین می‌بایم که این اثر، مجموعه‌ای از احادیث در موضوعات مختلف است که مؤلف در رساله‌های پی در پی آورده است. گستردگی و تنوع این موضوعات، از قرآن، حدیث و فقه گرفته تا تاریخ، حکمت و اخلاق، همانطور که از تواناییهای مؤلف بر می‌آید، نمایانگر رویکرد دایره‌المعارفی او در این اثر است (نک: ابن شهر آشوب، ۱۱ - ۱۲).

برخی از نویسندگان مجامیع حدیثی در طی قرون از این اثر استفاده کرده‌اند: ابن بابویه در مقدمه من لا یحضر (۵/۱) به صراحت المحاسن را از منابع کتاب خود شمرده است؛ اما در کنار آن باید به نقلیات وسیعی توجه کرد که کلینی در الکافی (۱۱/۱، ۱۲، ۲۰، جم، معمولاً با واسطه «عدة من اصحابنا») و شیخ طوسی در تهذیب الاحکام (۴۴/۱۰) بدون تصریح به نام کتاب و ظاهراً از همین کتاب آورده‌اند (برای استفاده‌های ابن ادریس در مستطرفات السرائر، نک: ص ۶۴۰ - ۶۴۱). همچنین باید از علی طبرسی یاد کرد که در کتاب خود مشکاة الانوار تکیه‌ای ویژه بر احادیث المحاسن داشته، و به خصوص از بخشهایی از این کتاب نقل قول کرده که در نسخه موجود از المحاسن یافت نشده است (نک: ص ۲۷، ۴۰، جم؛ نیز نک: نوری، ۳۸۲/۱؛ نیز برای «کتاب السفر»، نک: ابو غالب، ۱۶۲).

یکی از نشانه‌های ارزشمندی المحاسن را باید در جمله‌ای از قاضی نورالله شوشتری جست که معتقد است امهات کتب حدیث امامیه را باید ۶ کتاب دانست که پنجمین آن المحاسن برقی است (نک: محدث، «ی»). ابن ندیم (ص ۲۷۶)، به اشتباه این اثر را به محمد بن خالد برقی نسبت داده است.

اثر دیگر منسوب به احمد، کتاب کم حجم، اما ارزشمند الرجال است که با شناسایی اصحاب پیامبر (ص) آغاز شده، و با نام یاران امامان (ع) ادامه یافته است. مؤلف قسمتی را هم به معرفی زنان راوی از پیامبر (ص) و نیز بخشی را به نامبری از منکرین ابوبکر اختصاص داده است (ص ۶۱، ۶۳). نویسنده در آنجا که لازم دیده، از حد صرفاً یادآوری فراتر رفته، و برخی اطلاعات افزوده را در اختیار خواننده قرار داده است (مثلاً نک: ص ۱۱، ۱۷، ۲۲، جم)؛ برخی در انتساب این اثر به احمد تشکیک کرده‌اند و برآنند که تألیف آن مدتها بعد توسط یکی از نوادگان برقی صورت گرفته است (شبیری، ۱۵۹).

علاوه بر اینها، آثار دیگری نیز به احمد نسبت داده‌اند که نمی‌توان درباره استقلال آنها از مجموعه المحاسن به دقت سخنی گفت (نک: نجاشی، یاقوت، همانجا؛ شیخ طوسی، الفهرست، ۳۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۲). استفاده‌ها و نقل فراوان نویسنده کتاب تاریخ قم، از برقی

بُرک، حجاج بن عبدالله صریمی (مق ح ۴۰/۶۶۰م)، ضارب معاویه بن ابی سفیان. ظاهراً واژه «برک» کنایه از دلیری و جنگاوری است (ابن درید، ۲۴۷؛ ابن منظور، ذیل بُرک). در برخی منابع، این شهرت همچون نام به کار رفته (کلبی، ۲۳۶؛ طبری، ۱۴۳/۵)، اما در منابع دیگر تصریح شده که نام اصلی برک، حجاج بوده است (نک: بلاذری، ۲۵۱/۳؛ مبرد، ۱۹۶/۳، ۲۰۱). برک از تیره بنی صریم بن مُقاعس از قبیله بزرگ بنی تمیم بود (کلبی، همانجا؛ ابن حزم، ۲۱۸).

به روایت مشهوری که بسیار قابل نقد به نظر می‌رسد (مثلاً نک: جعیت، ۲۹۷؛ ولهاوزن، ۸۷)، برک یکی از ۳ تنی بود که در مکه هم قسم شدند در یک زمان امیرالمؤمنین علی (ع)، معاویه و عمروعاص را در کوفه، شام و مصر از میان بردارند (ابن سعد، ۳۵۳-۳۶؛ ابن ابی الدنيا، ۹۱؛ مبرد، همانجا؛ بلاذری، ۲۵۱/۳-۲۵۲؛ طبری، همانجا). در مآخذ موجود، اطلاعات چندانی درباره برک نیامده است و گذشته از آنکه در همان روایت مشهور، هر ۳ تن از خوارج شمرده شده‌اند، به روایت خلیفه بن خیاط، برک از جمله خوارجی بود که از پیکار نهروان جان سالم بدر بردند (۲۲۴/۱).

به هر حال، برک مأموریت قتل معاویه بن ابی سفیان را برعهده گرفت و به روایت مذکور، در همان روزی که عبدالرحمان ابن ملجم مرادی، امام علی (ع) را مجروح کرد، بُرک نیز در حالی که معاویه در مسجد نماز جماعت می‌گزارد، ظاهراً با خنجر به او هجوم آورد، اما ضربت وی بر پشت معاویه فرود آمد (ابن سعد، همانجا؛ مبرد، ۲۰۱/۳؛ بلاذری، ۲۵۲/۳؛ قس: دینوری، ۲۱۳، که در روایت او، «نزال» به احتمال بسیار تصحیف برک است). روایتها، درباره سرنوشت برک پس از اقدام به قتل معاویه، متفاوت است. بر مبنای یک روایت، معاویه فرمان داد تا او را به طرز فجیعی به قتل رسانند (همانجاها). اما بر مبنای چند روایت دیگر — که همگی داستان گونه به نظر می‌رسند و به همین سبب، ماجرا را مشکوک جلوه می‌دهند — برک ظاهراً برای نجات جان، داستان پیمان خود و دو تن دیگر را به آگاهی معاویه رسانید و با اینکه از نتیجه کار این ملجم بی‌اطلاع بود، معاویه را به قتل امام علی (ع) امیدوار کرد (مبرد، ۲۰۲/۳؛ طبری، ۱۴۹/۵). یا حتی پیشنهاد کرد که خود، امام علی (ع) را به شهادت برساند (مسعودی، ۴۱۷/۲). بر مبنای چند روایت دیگر، معاویه به طرز عجیبی مداوا شد، اگرچه گفته‌اند که این ضربت او را مقطوع النسل کرد (بلاذری، طبری، همانجاها). برک نیز با آنکه دست و پایش را قطع کرده بودند، در بصره مسکن گزید و حتی دارای زن و فرزند شد، اما زیاد بن ابیه، عامل معاویه بر عراق، او را بدین سبب که خلیفه را از داشتن فرزندان بیشتر محروم کرده بود، به قتل رسانید (بلاذری، مبرد، همانجاها).

داستان برک و معاویه، از موضوع توطئه شهادت امیرالمؤمنین علی (ع) و نیز اقدام به قتل عمروعاص — که آن نیز نافرجام ماند (نک: مبرد، همانجا) — جدا نیست؛ زیرا در نتیجه این توطئه، امام علی (ع) به شهادت رسید و راه برای معاویه در اشغال کرسی خلافت هموار شد. از

و اثری از او با نام البنیان (یا التیان، نک: مسعودی، ۱۲/۸؛ شیخ طوسی، ابن شهر آشوب، همانجاها) در زمینه تاریخ محلی قم (نک: قمی، ۲۰، ۲۲، ۲۵، جم)، مشخص می‌کند که وی به عنوان یک مورخ، در این باره کتابی تألیف کرده است (قس: آقابزرگ، ۳۲۷/۳).

از خاندان برقی، تنی چند نیز در منابع یاد شده‌اند که محدث ارموی در مقدمه خود بر کتاب المحاسن به تفصیل از آنان نام برده است. از آن میان، به خصوص باید به برادران محمد بن خالد ابوالقاسم فضل و ابوعلی حسن اشاره کرد که فرد اخیر صاحب کتابی با عنوان النوادر بوده، و نیز تفسیری به املائی امام حسن عسکری (ع) بدو منسوب است (نک: نجاشی، ۱۶۷/۱؛ شیخ طوسی، رجال، ۴۶۲؛ صدر، ۲۳۰). از نوادگان فضل فقیهی به نام علی بن علاء شناخته است و از نوادگان احمد بن محمد بن خالد هم احمد بن عبدالله بن احمد ظاهراً به حدیث اشتغال داشته است و نام او در اسانید برخی روایات امامیه برجای مانده، و حسن بن حمزه طبری از او روایت داشته است (نک: نجاشی، ۲۲۱/۲).

مآخذ: آقا بزرگ، الذریعة؛ ابن ادریس، محمد، السرائر، قم، مؤسسه نشر اسلامی؛ ابن بابویه، محمد، من لا یحضره الفقیه، به کوشش حسن موسوی خراسان، نجف، ۱۳۷۶ق؛ ابن حجر عسقلانی، احمد، لسان المیزان، حیدرآباد دکن، ۱۳۲۹ق؛ ابن داود حلی، حسن، الرجال، به کوشش جلال الدین محدث ارموی، تهران، ۱۳۳۲ش؛ ابن شهر آشوب، محمد، معالم العلماء، نجف، ۱۳۸۰ق/۱۹۶۱م؛ ابن ندیم، الفهرست؛ ابوغالب زراری، احمد، رساله، به کوشش محمد رضا حسینی، قم، ۱۴۱۱ق؛ اردبیلی، محمد، جامع الرواة، بیروت، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م؛ برقی، احمد، المحاسن، به کوشش جلال الدین محدث ارموی، قم، ۱۳۷۱ق؛ تستری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم، ۱۴۱۷ق؛ حر عاملی، محمد، رسائل الشیعة، بیروت، ۱۳۹۱ق؛ ذهبی، محمد، المشیة، به کوشش علی محمد بجاوی، قاهره، ۱۹۶۲م؛ «الرجال»، منسوب به احمد برقی، همراه الرجال ابن داود حلی (هم)، شبیری، محمدجواد، «برقی، ابوجعفر»، دانشنامه جهان اسلام، تهران، ۱۳۷۶ش؛ ج ۳؛ شیخ طوسی، محمد، تهذیب الاحکام، به کوشش حسن موسوی خراسان، بیروت، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م؛ همو، رجال، نجف، ۱۳۸۰ق/۱۹۶۱م؛ همو، الفهرست، به کوشش محمود زامیار، مشهد، ۱۳۵۱ش؛ صدر، حسن، تأسیس الشیعة، بغداد، شركة النشر للطباعة؛ صفدی، خلیل، الوافی بالوفیات، به کوشش احسان عباس، ریسادن، ۱۳۸۹ق/۱۹۶۹م؛ طبرسی، علی، مشکاة الانوار، نجف، ۱۳۸۵ق/۱۹۶۵م؛ علامه حلی، حسن، الرجال، به کوشش محمدصادق بحر العلوم، نجف، ۱۳۸۱ق/۱۹۶۱م؛ قمی، حسن بن محمد، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی قمی، به کوشش جلال الدین تهرانی، تهران، ۱۳۱۳ش؛ کاظمی، عبدالنبی، تکملة الرجال، به کوشش محمد صادق بحر العلوم، نجف، مطبعة الآداب؛ کشی، محمد، معرفة الرجال، اختیار شیخ طوسی، به کوشش حسن مصطفوی، مشهد، ۱۳۴۸ش؛ کلینی، محمد، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۹۱ق؛ محدث ارموی، جلال الدین، مقدمه بر المحاسن (نک: هم، برقی)؛ مسعودی، علی، مروج الذهب، به کوشش باریه دومنار و یاره دوکورتی، پاریس، ۱۸۶۱م؛ نجاشی، احمد، رجال، به کوشش محمد جواد نائینی، بیروت، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م؛ نوری، حسین، مستدرک الوسائل، تهران، ۱۳۸۲ق؛ یاقوت، ادبا؛ همو، بلدان؛ همو، المشرق، به کوشش ووستفالد، گوتینگن، ۱۸۴۶م؛ یعقوبی، احمد، البلدان، نجف، ۱۳۳۷ق/۱۹۱۸م؛ نیز:

Kohlberg, E., *A Medieval Muslim Scholar at Work*, Leiden, 1992.

حسین فرهنگ انصاری

بَرَقی، عبدالله، نک: خواجه عبدالله برقی.